

بنا

سخن سردبیر

سعادت جمهوری اسلامی در گروگام‌های مردم

سال ۱۴۰۲ با یک شعار راهگشای اقتصادی شروع شد. مهار تورم، رشد تولید کلید تحول در اقتصاد است که از جانب رهبر معظم انقلاب بر سر زبان‌ها افتاد. تحقق این شعار چرخ بهبودی اقتصاد را سرعت خواهد بخشید. عزم و اراده‌ی مسئولین لازمه تحقق مهار تورم، رشد تولید است. باید تمام ارکان دولت، سرمایه‌داران، تولیدکنندگان، کارآفرینان دست به دست یکدیگر بدهند تا به این امر رهبری جامعه‌ی تحقق بیوشانند.

مورد دیگری که پرچم سربلندی اقتصاد را بالا خواهد برد، اقتصاد مبتنی بر مشارکت مردم است. حضور و همراهی مردم در هر امری منزلگاه پیروزی است. مردم شاه‌کلید پیشرفت و توسعه‌ی یک کشور هستند. با مردم می‌توان هر خدع‌های علیه جمهوری اسلامی را خنثی کرد. حوزه‌ی اقتصاد نیز امروز نیازمند حضور مردم است. بنا به توصیه‌ی رهبری (مد ظله العالی)، باید کوشید اقتصاد را از خصوصی‌سازی رها کنید تا زمینه برای مشارکت حداکثری حضور مردم فراهم شود.

تحریم‌ها علیه جمهوری بر حق اسلامی از عوامل زمین زدن اقتصاد ایران و کاهش ارزش پول ملی محسوب می‌شوند. تحریم‌های ناعادلانه‌ای که بر علیه ایران وضع شدند، دست شیطان را نیز از پشت بست. بر اساس سخن رهبری (مد ظله العالی) چند عامل باعث ضعف حوزه‌ی اقتصاد شد. یکی از عوامل، تحریم‌های ظالمانه‌ی وضع شده علیه ایران و دیگری، بی‌تدبیری مسئولین است. از سه‌گانه‌ی عوامل داخلی در زمینه‌ی اقتصاد نمی‌توان چشم‌پوشی کرد و قطعاً در دادگاه عدل الهی پاسخگو خواهند بود؛ اما از نقش تحریم‌ها نیز نمی‌توان گذشت.

جمهوری اسلامی با مردم یا به عرصه‌ی وجود گذاشت و با مردم قله‌ی پیشرفت و توسعه را فتح خواهد کرد. جمهوری‌ای که در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، ۹۹ درصد رأی آری را از آن خود کرد و ۴۴ سال است که جهان غرب را در خشم فرو برده است. این است قدرت معنوی جمهوری اسلامی! هزاران تحریم انگشت به دهان مانده‌اند از شکوه و هیبت جمهوری اسلامی. در حیرت‌اند که چطور می‌توان در تحریم بود و به رتبه‌های بالای پیشرفت دست یافت؛ دل‌افکار انواع و اقسام نقشه‌ها و نیرنگ‌ها باشی و زیر بار مشکلات کمر خم نکنی؛ بازار خودرو و قیمت کالاها آشفته باشد و مردم همچنان سنگ تو را به سینه بزنند و خواهان پابرجا ماندن تو باشند؛ چون تو یادگار خمینی(ره) و فرزندان او هستی.

رقیه خادم‌نیا



کاسه‌ای زیر نیم کاسه!

آیا فعالیت سیاسی در دانشگاه الزهراء بی‌حساب و کتاب است؟

«ص ۷»

این شماره از بی‌تعارف با افتخار تقدیم می‌شود به: متولدین و درگذشتگان نامدار فروردین ماه. به ویژه تقدیم می‌شود به سه فرماندهی متولد فروردین: قاسم سلیمانی و احمد متوسلیان و ابراهیم همت. همچنین تقدیم می‌شود به شهدای فروردین ماه علی‌الخصوص حسین املاکی و حسین قلی‌پور و علی صیاد شیرازی.



قاب نهم: ۲۹ فروردین ۱۴۰۱؛ دیدار رضانی رهبر انقلاب با دانشجویان



مهار تولید، رشد تورم!

جستاری بر نحوه تحقق شعار مهار تورم رشد تولید

● رقیه خادم‌نیا، کارشناسی علوم تربیتی

نصیب خود می‌نمایند. مردم آخرین و مهم‌ترین تکه‌ی پازل شعار مهار تورم، رشد تولید هستند. مردم با مطالبه و قدم برداشتن در خط ولایت فقیه بیشترین تأثیرگذاری را جهت پوشاندن لباس تحقق بر شعار مهار تورم، رشد تولید خواهند داشت. چراکه شعار سال براساس اولویت‌ها و نیازهای مهم مردم و جامعه است. اگر مردم ایران از مسئولین مطالبه نکنند، در اندک زمانی اراده‌ی مسئولین و وعده‌های رنگینی که جهت تحقق بخشیدن به شعار دادند به کام مرگ خواهد رسید. دیگر کمک مردم برای تحقق شعار سال، حمایت از تولید داخلی است. اگر کالای با کیفیتی تولید می‌شود، حمایت شود و اگر اینطور نیست، از تولیدکننده انتقاد کنند. همانطور که رهبری فرمودند: «ما کی می‌توانیم این رشد سریع و مستمر را به دست بیاوریم؟ آن وقتی که با کمک و هدایت مردم بتوانیم تولید را افزایش دهیم.» لذا مسئولین نیز باید برای مشارکت مردم برنامه‌ریزی کنند چراکه با مردم حرکت کردن برابر است با رسیدن به پیروزی. علاوه‌بر نظارت و مطالبه‌ی مردم، باید کمیته‌هایی به منظور نظارت عملکرد و ارائه‌ی گزارش از میزان تحقق یافتن شعار سال وجود داشته باشند. با وجود این کمیته‌ها آگاه شدن مردم در این مورد سریع‌تر و راحت‌تر انجام خواهد گرفت.

بوده‌اند. حتی فتنه‌های ۸۸ و ۹۸ و اغتشاشات سال ۱۴۰۱ نیز نقش مهمی در رشد تورم داشته‌اند. مقام معظم رهبری با فراست، شاه کلید بهبود وضع اقتصاد و معیشت مردم را در مهار تورم دانستند. مهار تورم نیازمند یک جهاد مخلصانه‌ی اقتصادی است. این جهاد نیت و تلاش خالص مسئولین را می‌خواهد. باید تمام منابع و سرمایه‌های انسانی و اجتماعی را بسیج کرد تا به آن چشم‌اندازی که رهبری برای تحقق شعار سال ترسیم کرده‌اند دست یافت. در مقابل مهار تورم، رشد تولید در آن سوی دیگر ترازوی شعار سال قرار دارد. شرکت‌های داخلی، شرکت‌های دانش‌بنیان، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران داخلی باید با یکدیگر متحد شوند. از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان می‌توان بیشترین بهره را برای افزایش تولید ملی بهره برد. همچنین از آنجا که دنیا در سمت‌وسوی مدرنیته شدن است، استفاده از تکنولوژی‌های برتر و هوش مصنوعی می‌تواند دستاوردهای درخشانی برای جمهوری اسلامی رقم بزند. همچنین شرکت‌های داخلی باید تمام هم و غم خود را صرف تولید کالای باکیفیت کنند. رشد تولید صرفاً به معنای تولید کالای بیشتر نیست بلکه تولید کالای مرغوب را نیز در برمی‌گیرد. صاحبان تولید با تولید کالای خوب هم رضایت مشتری داخلی را کسب می‌کنند و هم با صادرات آن اعتبار خوبی

مشکلات اقتصادی در جامعه‌ی ایران کم نیست. این معضلات از چشم رهبر ایران نیز محفوظ نیست. از سال ۱۳۸۷ اقتصاد مضمون شعارهای انتخابی سال توسط مقام معظم رهبری شد. ایشان بهتر از متخصص دیگری ریشه‌ی مشکل اقتصاد ایران را در تورم یافتند و به همین دلیل مهار تورم، رشد تولید به عنوان شعار سال ۱۴۰۲ انتخاب شد. در دهه‌ی اخیر هر کس از هر زاویه دید منحصر به خود ریشه‌ی مشکلات اقتصادی موجود در ایران را هر چیزی عنوان کرد. یکی گفت: «تحریم عامل تنگ شدن سفره مردم است.» دیگری گفت: «افزایش دلار.» آن دیگر نیز گفت: «افزایش نقدینگی باعث و بانی این همه مصیبت است.» بدین شکل نظر می‌دادند و به ریسمان توهمات خود چنگ می‌زدند. به گمان خود اقتصاد را درمان می‌کردند؛ اما اقتصاد ایران روز به روز در تاریکی مطلق فرو می‌رفت. مردم نیز ناراحت و منتقد به عملکرد دولت وقت. یک آب خوش از گلوی بازار و اهل آن پایین نرفت. در این سال‌ها افزایش قیمت دلار برابر بود با کاهش ارزش پول ملی. تورم ریسمانی است بر گلوی اقتصاد. این ریسمان را باید سوزاند. مهار تورم اقتصاد ایران را بیدار خواهد کرد. عده‌ای از اقتصاددانان ریشه‌ی تورم را در تحریم، افزایش نقدینگی، افزایش تقاضا، افزایش هزینه و... عنوان کرده‌اند. همه‌ی این عوامل در رشد تورم در کشور دخیل

عدل محوری، لازمه‌ی مردم‌سپاری

چگونه تبیین‌های ضد عدالت از تورم، تحقق اقتصاد مردم‌بنیاد را به سخره گرفته است؟

یادداشت مهمان

● بهار سعیدی، ادوار واحد سیاسی و اتحادیه‌ی دفتر تحکیم وحدت



دولت نتواند حقوق اقتصادی بدنه‌ی ردمی را تضمین کند، نمی‌توان از اقتصاد مردم‌بنیاد به عنوان الگوی اقتصادی طراز و یگانه‌راه شکل‌بخشی به اقتصاد تولیدمحور صحبت به میان آورد. مثلاً هرچند تلاش برای مردمی‌سازی اقتصاد از دریچه‌ی واگذاری شرکت‌های دولتی با اهدافی جز هدف اصلی آن که افزایش بهره‌وری بنگاه‌های تولیدی است، اتفاق افتاد؛ اما بدیهی است که اگر روند آنها متناسب با هدف اصلی آن نیز پی‌ریزی می‌شد، نتیجه‌ی آن تفاوتی با آنچه امروز محقق شده نمی‌داشت. مگر جز این است که شرکت‌ها و بنگاه‌های خصوصی که در حال حاضر در

ستون و سنگ بنای این الگوی اقتصادی چند سالی است که به عنوان اولویت و پیش‌نیاز اقتصادی کشور محور شعارهای سال قرار گرفته است. دستیابی به اقتصاد تولیدمحور نیازمند لازمه‌های متعددی است که همگی آنان وابسته به تغییر سازه‌ی ذهنی مسلط در نظام تصمیم‌گیری است. وجه بارز این سازه‌ی ذهنی عبارت است از کوتاه‌نگری و ترجیح نظام‌وار مسائل کوتاه‌مدت به بلندمدت. مسئله‌ای که موجب شده تا مهم‌ترین وظایف دولت در عرصه اقتصاد، یعنی امنیت‌بخشی به حقوق مالکیت و ثبات‌بخشی به فضای کسب‌وکار محقق نگردد. بلاشک تا زمانی که

مقوله‌ی تولید ملی، مقوله‌ای است که لازمه‌ی رشد آن اقدامات اساسی و بنیادین است. برای ملت ایران ثابت شده است که عرصه‌ی اقتصاد امروز به کارزار دشمن با جمهوری اسلامی مبدل شده است و از هیچ فرصتی برای ضربه زدن به سفره مردم دریغ نمی‌ورزد. با حمایت از این جبهه و گام برداشتن در این میدان و نیز تحقق کامل شعار مهار تورم، رشد تولید شب تاریک اقتصاد ایران صبح خواهد شد.

رهبر انقلاب ده سال گذشته را چون تکه‌های پازلی در جهت تحقق مولفه‌های الگوی اقتصادی کشور نام‌گذاری کرده‌اند. در این بین تولیدمحوری به عنوان

ضمیمه اقتصادی

خصوص آسیب‌زا بودن آن کاهش می‌یابد. با این روند چطور می‌توان از شرایط تورمی گذر کرد و از منافع و حقوق همه‌ی اقشار جامعه، به ویژه بخش فرودست که اصلی‌ترین قربانیان شرایط تورمی هستند، پاسداری کرد؟ یا مثلاً از آن جا که کسری بودجه دولت به نقدینگی تبدیل می‌شود؛ همواره دولت متهم اصلی در رشد نقدینگی است. هرچند می‌توان این تبیین را برای رشد نقدینگی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰، تحلیل درستی دانست؛ اما هرچه از این سال‌ها دورتر شده‌ایم، متهم دیگری به نام نظام بانکی نیز در رشد نقدینگی سهمیم شده است. نظام بانکی که از حدود دهه‌ی هشتاد به سمت خصوصی‌شدن رفته، به نیرویی خودمختار در افزایش حجم نقدینگی از طریق انبساط ترازنامه‌ای بانک مرکزی تبدیل شده است که سوخت آن پایه‌ی پولی است. حال آن که اقتصاد متعارف قرائتی را در تحلیل این مسئله به کار می‌گیرد که خلق پول بانک‌ها را جریانی طبیعی و جبر بازار قلمداد کرده که گریزی از آن نیست. این مسئله را در جریان افزایش حقوق کارگران در چند وقت اخیر نیز می‌توان ردیابی کرد. تأسفبرانگیز است که تبیین‌های اقتصادی از علل تورم وعدم ثبات، بنابر ذی‌نفع‌بودگی گروه‌های مردمی تا به این حد متغیر است. بدیهی است که اقتصاد مردمی، نیازمند مشارکت عادلانه‌ی تمامی گروه‌های مردمی بوده و در سایه‌ی عدل اقتصادی محقق خواهد شد. در شرایطی که قرائت‌های رسمی تنها منافع گروه‌های فرادست را نمایندگی می‌کند؛ تحقق اقتصاد مردم‌بنیاد آرزویی دور و دراز است.

در عرض کمتر از چهارسال؛ بانک‌های خصوصی، نه به اندازه‌ی هزینه‌ی مسکن مهر، بلکه تقریباً دو برابر این هزینه از بانک‌ها اضافه برداشت کردند؛ حجم تولیدات رسانه‌ای در اعتراض به این موضوع بسیار ناچیز بود. کارشناسان و نخبگان اقتصادی نیز، تنها با نگاهی گذرا به نقد آن پرداختند و ملوکانه از کنار آن گذشتند. هرچند طرح مسکن مهر نیز دارای ابعاد نامطلوبی بود، اما حداقل ماجرا این بود که این اضافه برداشت از بانک‌ها به یک خروجی مشخص رسید و از بدنه‌ی گسترده‌ای از مردم رنج کشیده و مستضعف دستگیری کرد. حال آن که مابه‌ازای بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی چه بود؟ بنابراین علاوه بر این که مقدار اضافه برداشت طرح مسکن مهر از بانک‌ها، نصف اضافه برداشتی بود که بانک‌های خصوصی انجام داده بودند؛ این طرح دارای یک خروجی مشخص نیز بود. بماند که بلاشک ترازنامه‌ی بانک مرکزی که به بدهی نظام بانکی گره خورده باشد، بسیار بی‌کیفیت‌تر و پوچ‌تر از ترازنامه‌ای است که به مجموعه‌ای ساختمان گره خورده باشد. حال آن که درخصوص موضوع دوم، یعنی اضافه برداشت بانک‌های خصوصی به چه میزان در فضای گفتمانی صحبت شد؟ چقدر از این مسئله به عنوان علت تورم نام برده شد؟ این مثال کاملاً گویای آن است که تبیین‌هایی که در اقتصاد متعارف از ریشه‌های تورم صورت می‌گیرد تا چه اندازه ضد عدالت است. گویی شاخک‌های جریان اقتصاد متعارف زمانی حساس می‌شود که منافع طبقات پایین جامعه را نیز در برگیرد؛ اما زمانی که یک سیاست بخش فرادست جامعه را متنعم سازد، حساسیت‌ها در

حال فعالیت‌اند، به واسطه‌ی قرارگیری در شرایط تورمی جملگی در شرف تعطیلی هستند؛ وقتی حقوق اقتصادی و سرمای‌ی بخش خصوصی به طور مکرر محل تعرض قرار می‌گیرد، واگذاری بنگاه دولتی به بدنه‌ی مردمی چه نتیجه‌ی شگفتی‌سازی را می‌تواند در پی داشته باشد؟

البته آنچه گفته شد، منکر نقش اصلی مردم در شکل‌گیری اقتصاد تولیدمحور نیست. تولیدمحوری در اقتصادی که دولت در آن، قیم‌مآبانه، عرصه را در ید خود داشته باشد، محقق نخواهد شد. بحث اصلی اینجا است که عاملیت یافتن بخش خصوصی نیازمند زمینه‌هایی چون ثبات اقتصادی است که اگر محقق نشود، عدالت اقتصادی را نیز ذبح خواهد کرد.

آنچه امروز مهم‌ترین سد برای دستیابی به ثبات اقتصادی و کاهش تورم محسوب می‌شود، تبیین‌های ضد عدالت از آن است. اساساً در اقتصاد متعارف، با تبیین‌های ضد عدالت از تورم مواجه هستیم.

در این باره ذکر چند مثال گویای مسئله است. وقتی میان سال‌های ۸۹ تا ۹۲ کنشی سیاستی به اسم مسکن مهر توسط دولت وقت رقم خورد؛ این مسئله به کانون اصلی صحبت‌ها و نظرات کارشناسان بدل شد و بی‌شمار یادداشت و مصاحبه و گفت‌وگو در نقد و اعتراض به آن نوشته شد. به نحوی که اعتراض به این طرح برای مدتی طولانی محل بحث اصلی رسانه‌ها و جریان‌های اقتصادی مختلف قرار گرفت. همه‌ی این صحبت‌ها و انتقادات ناظر به جنبه‌ی پولی طرح بود که آن را یک افتضاح بزرگ می‌دانست.

این در حالی است که وقتی مابین سال‌های ۹۳ تا ۹۶، یعنی

بایکوت در ایران

تحریم و نقش آن در افزایش قیمت دلار در سال ۱۴۰۱

فاطمه پیروزی، کارشناسی ادیان و عرفان

پرسش مدافعان بشر از خویش: «اگر ما مدافع حقوق ایرانیان هستیم، پس چرا با تحریم آنها را می کشیم؟»

نمی‌توان تأثیر سقوط اقتصاد یک کشور بر فروپاشی یک دولت را نادیده گرفت. نمی‌گوییم تنها عامل سقوط همان است؛ اما تأثیر زیادی دارد. دشمنی آمریکا، انگلیس، اسرائیل و دست‌نشانده‌های آنها با جمهوری اسلامی برای همه آشکار شده است. با شکست اسفبار آنها در جنگ تحمیلی ۸ ساله، چنین کاری انتظار می‌رفت. آنها با خیال اینکه با فشار بر اقتصاد می‌توانند جمهوری اسلامی را از پای آورند، نقشه‌های مختلف خود را روی میز به اشتراک گذاشتند.

ناگفته نماند که این تحریم‌های گسترده و مضر، تنها جمهوری اسلامی را گرفتار نکرده است بلکه دول متعددی از این مرض اقتصادی رنج می‌برند. برای روشن‌تر شدن موضوع به تعریف کوتاهی از تحریم می‌پردازیم. تحریم اقتصادی یعنی متوقف کردن تهدید به توقف و یا کاهش روابط اقتصادی، مالی و تجاری است با کشور تحریم‌شده از سوی کشور تحریم‌کننده. همچنین می‌توان گفت برای بی‌ثبات کردن رژیم سیاسی کشور هدف است که برای تغییر رژیم اعمال می‌شود. (یاوری و محسنی ۱۳۸۸).

در سال ۲۰۰۱ یک بنیاد آمریکایی به اسم (FDD) با پشتیبانی اسرائیل برای تهاجم اقتصادی به ایران تأسیس شد. مدیر اجرایی آن به معمار تحریم ایران ملقب بود. وی در ۲۴ آبان، هنگام مصاحبه با نیوزویک گفت: «از اسرائیل درخواست یک بحران عظیم ارزی در ایران داریم تا مردم را با خشم به خیابان بکشاند.» جای پای تحریم اقتصادی

روی نرخ ارز مشهود است. با افزایش تحریم، شاهد افزایش نرخ ارز و بالطبع کم شدن ارزش پول ملی کشور و به دنبال آن مشکلات اقتصادی متعدد هستیم. این مشکلات شامل تمام اقشار جامعه می‌باشند. این بحران عظیم که اسرائیل و FDD علیه ما به راه انداخته‌اند، غیر قابل توقف نیست. غیر از مذاکره و مصالحه، راه‌های مختلف دیگری نیز وجود دارند. برای مثال به یکی از کشورهای هم‌درد ما که زخم‌خورده‌ی تحریم‌های آمریکا است و تا حدی توانسته با آن مقابله کند، اشاره می‌کنیم. روسیه کشوری است که توانست تأثیرات تحریم در اقتصاد خود را تا حد زیادی کاهش دهد. سیاستمداران روسیه به این فکر افتادند که سیم اصلی این بحران یعنی دلار را قطع کنند؛ به این معنا که معاملات بین‌المللی خود را بدون تکیه بر دلار انجام بدهند که تا حد زیادی رضایت‌بخش بوده است.

در کشور ما یکی از ضربه‌خورندگان بزرگ تحریم، صنعت خودروسازی است. یکی از آثار آن افت تیراژ خودروسازان در این دوران بوده است. می‌بینیم که صنعت خودروسازی با چالش‌های زیادی روبه‌رو بوده است؛ زیرا تحریم باعث ایجاد تلاطم اقتصادی می‌شود. یکی از آن تلاطم‌ها که کم‌وبیش با آن آشنایی داریم، رشد نرخ تورم است. البته نمی‌توان گفت که بدون تحریم، مشکلات اقتصادی ما به صفر می‌رسد. تحریم یکی از عوامل مشکل اقتصادی در کشور است. در کشور ما نیز چون درصد بالایی از درآمد ملی از فروش نفت است، افزایش نرخ ارز که ثمره‌ی تحریم است، بیشتر دیده می‌شود؛ زیرا معامله‌ی نفت با کشورهای خارجی

بر اساس دلار انجام می‌شود. حال به‌طور اختصاصی‌تر به تأثیر تحریم روی اقتصاد کشور در سال ۱۴۰۱ می‌پردازیم. اگر به تحولات اقتصادی دهه‌ی ۹۰ نگاهی بیندازیم، مشاهده می‌کنیم اقتصاد ایران در این سال یعنی ۱۴۰۱ همچنان گرفتار همین مشکلات رایج بوده و حتی در برخی حوزه‌ها مانند آب، انرژی، جذب سرمایه‌گذاری و غیره شرایط حادثی داشته است. اقتصاد ایران از صدقه‌سری تحریم‌ها در حوزه‌ی پول، بانک و بازارهای مالی با چالش‌هایی نظیر کاهش درآمدهای ارزی دولت، افزایش ریسک اعتباری مرادوات جهانی، افزایش هزینه‌های مبادله و تأثیر آن بر هزینه‌ی تولید واردات محدود شدن تولیدکنندگان در تأمین نیازهای وارداتی دست‌وپنجه نرم می‌کند. با خروج آمریکا از برجام و وضع تحریم‌های بین‌المللی، فروش منابع نفتی و دسترسی به منابع ارزی کاهش پیدا کرده است. در سال ۱۴۰۱، اگر تحریم نبود با تمام مشکلات، تورم حدوداً ۲۰٪ می‌شد. با فرض بی‌عیب بودن اقتصاد، نرخ ارز باید حدوداً ۱۰ هزار می‌بود. در صورتی که الان با تحریم، ۳۶۰۰۰ است؛ یعنی با تحریم، ۳۶٪ و بدون تحریم ۱۶٪ تورم داشتیم که آن ۱۶٪، نتیجه‌ی مشکلات اقتصادی درونی است. در سال ۱۴۰۱، این امید وجود داشت که با صلح، پشت میز مذاکره تا حد قابل توجهی مشکلات حل بشود؛ اما نتیجه برعکس شد. ایران زیر بار شروط آمریکا نرفت و مذاکره نیمه‌کاره ماند. مردم ایران نیز همچنان عزتمندانانه تحریم‌ها را به جان خریدند تا جوابی دندان‌شکن به بازیگران پشت پرده‌ی این بازی بدهند.

چهارمین صفحه‌ی اختصاصی بررسی فضای سیاسی دانشگاه الزهراء

کاسه‌ای زیر نیم کاسه!

آیا فعالیت سیاسی در دانشگاه الزهراء بی حساب و کتاب است؟

● هدیه گیاه تازه، مدیرمسئول نشریه بی تعارف

ناسنجیده شود. علت تعیین این قوانین نیز خیلی واضح است. وقتی کسی می‌خواهد درس بخواند، باید تنها روی درس تمرکز کند و تمام هم و غم او فعالیت‌های دانشگاهی رشددهنده باشد تا بتواند توشه‌ی هرچه بیشتری برای روزهای بعد خود مهیا کند. اگر دانشجویی درگیر هر مدل حاشیه‌ای بشود که اساسا با درس و فعالیت صحیح او در تداخل است، تنها کسی که ضرر می‌کند فقط خود اوست!

در کل به نظر می‌رسد کار سیاسی در دانشگاه الزهراء آنچنان هم بدون حساب و کتاب پیش نمی‌رود. گروه‌های مختلفی در آن در حال کار کردن هستند و ساده‌انگاری است اگر تصور شود، دانشگاه الزهراء جایی بی‌اهمیت برای گروه‌های مختلف سیاسی است.

چقدر مهم بوده ما نمی‌دانستیم! التقاط عجیبی در نوع تفکر افراد در این زمان مشاهده می‌شود؛ یعنی التقاط این موضوع که قوانین عرف آموزشی چیست و اینکه بدنه‌ی حاکمیت نباید دخالت مستقیم در شکل پوشش داشته باشد و باید به حد و اندازه و تبحر و بدن‌نما بودن پوشش به عنوان قانونی شرعی و سیاسی توجه کند، باعث می‌شود که در مکان‌هایی که در تمام دنیا پوشش مشخصی دارد نیز عده‌ای که تعداد بسیار زیادی هم ندارند دست به دهن کجی به قوانین عرف و صحیح بزنند. این خیلی پیچیده نیست که دانشگاه محیطی علمی است و کارهایی که شأن این محیط علمی را خاک‌مال می‌کند نباید انجام گیرد. این کارها می‌تواند هر مصادیقی داشته باشد. مهم این است که کار علمی در کشور نباید خدشه‌دار رفتارهای

مشروعیت برای هر تفکری از هر جنسی یک چالشی جدی محسوب می‌شود که اساسا هرکسی می‌خواهد نشان دهد تفکر او، تفکر مشروع و البته مقبول جامعه است. از این جهت در پاییز ۱۴۰۱ با مقوله‌ای مواجه هستیم که هر گروهی تلاش می‌کند خود را نماینده‌ی مردم بداند و تمام تلاش خود را می‌کند که نشان دهد مردم با تفکر او همراه هستند. این مهم در دانشگاه الزهراء نیز قابل تعمیم به نظر می‌رسد. یک جور تفکر خاص ما بی‌شماریم. حالا با هر ابزاری که ایجاد شود کاملا لمس می‌شد و از قضا هم ادامه دارد که به نظر می‌رسد کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه‌ی این داستان است.

در اواخر فروردین ماه ۱۴۰۱، از اکانت‌هایی با تعداد عضو بسیار بالا عکس‌هایی از دانشگاه الزهراء منتشر می‌شد که تلاش داشت هرچه بیشتر نشان دهد که دانشجوی دانشگاه الزهراء اساسا علاقه‌ای به رعایت قوانین آن ندارد! عکس‌هایی که در آن افراد به قوانین پوشش در دانشگاه بی‌توجه به نظر می‌رسیدند و اینکه چگونه ناگهان از یک اکانت توییتر با این تعداد عضو سر در آورده بود، خود جای جدی سؤال بود. برای هر مخاطب نقادی قطعا جای سؤال است که شاید ارتباط ویژه‌ای با این کانال‌ها برقرار است یا مدیریت خفیفی از اساس مشغول کار کردن است؛ وگرنه چگونه ممکن است در این زمان و مکان ناگهان یک عکس با این مختصات منتشر شود و این تعداد به قول خودمان لایک بگیرد و یا ریتوییت شود؟ الزهراء



از ادعای کساد بودن رفراندوم تا آرای ۹۹ درصدی آری

۱۲ فروردین سالروز جمهوری اسلامی

● ندا دشت بزرگی، کارشناس حقوق

خود کرده بودند، نتوانستند جلوی این انگیزه‌ی ملی را بگیرند و بیشترین رأی را همان مناطق داشتند. اگر درباب مقایسه با زمان حال بگیریم و بگوییم که الآن به چه صورت است، آیا بازهم مخالفان جمهوریت، گروه‌ها و احزاب هستند و یا خود بدنه‌ی مردم؟ باید گفت تأثیرات رسانه‌ها و دشمنان خارجی را بر افکار مردم نمی‌شود، نادیده گرفت. اینکه دیگر کومله، دموکرات و حزب جنگل شینامه نمی‌دهد بلکه در فضای مجازی پست می‌گذارند، ده‌ها هزار باند و ماهواره دارند و مخابره‌ی اطلاعات دارند. آنها که می‌دانند با که طرف هستند؛ اما در این طرف که مردم هستند نارضایتی دیده می‌شود. آیا این نارضایتی دلالت بر این دارد که مخالف نظام جمهوری اسلامی هستند یا عملکرد مسئولین؟ اگر بر عملکرد است که عملکرد آمدنی رفتنی است؛ یعنی دولت است که می‌آید و می‌رود؛ اما نظام چیست؟ نظام، آن ما نفی اصلی است که می‌ماند؛ آن نگرشی است که می‌گوید اصل دولت قابل تغییر است. اگر از مردم بپرسید می‌گویند: «دلار، نرخ ارز، نرخ تورم همه به دولت مربوط است.»؛ یعنی این ملت دنبال تغییر نظام نیست بلکه دنبال تغییر دولت است، دنبال اصلاح است، دنبال اعمال تغییر عملکرد نظام است ولی چون طرح، ایدئولوژی نشده است همه را از چشم نظام می‌بیند. چاره چیست؟ باید تبیین صورت بگیرد؛ یعنی مردم الآن که بیابند بر سر صندوق رأی به جمهوریت نسبت به طاغوت، نظام پادشاهی و یا اجنبی رأی آری می‌دهند ولی نسبت به تغییر دولت رأی آنها متغیر است؛ یعنی دنبال اصلاح‌اند تا تغییر. فهم این مسئله نیاز به تبیین دارد و باید کوشید تا جامعه‌ی عمل پوشانید به این سخن حضرت آقا (مد ظله العالی): «جهاد امروز جهاد تبیین است.»

یا نه؟ تغییر رویه دادن نیاز به مطالعه‌ی عمیق و گشتن در حال و هوای آن روزگار دارد؛ یعنی در روزگار بعد از انقلاب ۱۳۵۷ و قبل از رفراندوم سال ۱۳۵۸ آیا همه‌ی اقشار مردم به دادن رأی آری به نظام جمهوری اسلامی موافق بودند؟ چه کسانی مخالف رأی‌گیری بودند؟ آیا مخالف وجود داشت؟ با مطالعه‌ی وقایع آن زمان خیلی واضح جواب‌های این سؤالات را می‌توان دریافت. بله، مخالف وجود داشت؛ اما چه کسانی مختلف رفراندوم بودند و رفراندوم را تحریم کردند؟ آیا مردم از جمله‌ی مخالفان بودند؟ نه، گروه‌هایی بودند که به منافع استقلال‌طلبانه‌ی خود بعد از انقلاب نرسیده بودند و با تحریم رأی‌گیری می‌خواستند انتقام خود را از انقلاب بگیرند مثل حزب استقلال طلب کردستان موسوم به کومله. حزب دموکرات که تمام تلاش‌های خود صرف نرسیدن تعرفه به مناطق تحت تمرکز

وقتی تقویم را ورق می‌زنیم، سالروزها، یادمان‌ها و سالگردها را از دیده می‌گذرانیم بعضی از این مناسبت‌ها یک نوع حس را به انسان منتقل می‌کنند. انگار همان یک عنوان کتاب تاریخی است که تورا وادار می‌کند به گشتن در مورد جواب این سؤال که اگر بودی به چه شکل عمل می‌کردی؟ آیا اینکه می‌گویند تاریخ در حال تکرار است اگر این واقعه تکرار شود، ملت به چه شکل عمل می‌کنند؟ روز ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ سالروز پیروزی جمهوری اسلامی ایران در رأی‌گیری و رأی ۹۹ درصدی آرای ملت ایران از آن دسته از وقایع است و هربار و هرسال و در هر برهه‌ی زمانی این سؤال به ذهن متبادر می‌کند که اگر دوباره جمهوری اسلامی به رأی‌گیری گذاشته شود، دوباره رأی ملت به این شکل است یا بعد از چهل و اندی سال با دیدن سردی و گرمی دولت‌های کارگزار در این نظام هنوز رأی مردم به همان شکل خواهد بود



مردم‌سالاری و جمهوری اسلامی؛ باهم یا برابر هم؟

خلاصه فصل پنجم کتاب مردم‌سالاری دینی از منظر رهبر انقلاب

● فاطمه خلیل یگانه، کارشناسی تاریخ

است و محور توجه دین، سعادت و کرامت انسان است. حضرت آقا در همین رابطه می‌فرمایند: «در مکتب سیاسی امام، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه‌ی ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره‌ی سرنوشت بشر و یک جامعه، آرای مردم باید نقش اساسی ایفا کند.» به گفته‌ی ایشان مردم‌گرایی در نظام اسلامی، ریشه‌ی اسلامی دارد. در نظریه‌ی سیاسی اسلام، رأی و اساس مردم‌سالاری دینی برخاسته از خود اسلام است و مشروعیت آن را از دین می‌گیرد. ۳. مردم‌سالاری واقعی بدون صیغه‌ی دینی تحقق نخواهد یافت. آموزه‌های دینی-الهی است که می‌تواند زوایای پنهان وجود آدمی را شناخته و شایستگی دارد تا از مردم‌سالاری سخن بگوید و گرنه مدعیان مردم‌سالاری و آنچه امروز دموکراسی غربی خوانده می‌شود، فریبی بیش نبوده‌است. انسان‌محوری و اصالت انسان نیز در مکاتب غربی به اصالت لذت و هوی و هوس آدمی تقلیل یافته است. حضرت آقا خامنه‌ای در این باره می‌گویند: «دموکراسی‌ای که پول سرمایه‌داران صهیونیست، حرف اول را در آن می‌زند، چه افتخاری می‌تواند داشته باشد و چه چیز را به مردم دنیا

ایشان به کزات مشاهده نمود. تأکید ایشان بر این واژه به جای دموکراسی نشان از توجه خاص ایشان به بار معنایی این اصطلاح دارد. واژه‌ی مردم‌سالاری دینی و جمهوری اسلامی هردو به یک حقیقت که مدل حکومت اسلامی در عصر حاضر باشد اشاره دارد. مبانی تئوریک مدل مردم‌سالاری دینی ایشان بر پایه‌های زیر استوار است:

۱. در این رویکرد، مردم‌سالاری دینی به معنای ترکیب دین و مردم‌سالاری نیست و به گفته‌ی حضرت آقا مردم‌سالاری دینی یک حقیقت واحد و جاری در جوهره‌ی نظام اسلامی است، چراکه اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند بدون مردم نمی‌شود و تحقق حکومت مردم‌سالاری واقعی هم بدون دین امکان‌پذیر نیست. ایشان فرموده‌اند: «برخی می‌گویند که مردم‌سالاری دینی در درون خود حاوی تناقض است و یک قضیه‌ی پارادوکسیکال، ولی نیست، یک قضیه‌ی کاملاً مستقیم و عملی و صحیح است. پایه‌های آن را مستحکم کرده‌ایم و چطور نظریه‌ی پارادوکسیکالی است که بیست‌وسه سال است دارد تحقق پیدا می‌کند؟!»

۲. آموزه‌های اسلامی مبتنی بر کرامت انسان و بر محوریت آدمی شکل گرفته

در کنار نظرات متعدد در باب نسبت میان اسلام و دموکراسی، نظر دیگری وجود دارد. در این نگاه درون دینی، مردم‌سالاری دینی مفهومی است که با پیروزی انقلاب اسلامی معنای عینی یافت و توانست برای قریب سه دهه نظام جمهوری اسلامی ایران را اداره کند. آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارند که: «در مکتب سیاسی امام، مردم‌سالاری از متن دین برخاسته است؛ از «امرهم شوری بینهم»، برخاسته است؛ از «هو الذی ایدک بنصره و بالمومنین» برخاسته است. ما این را از کسی وام نگرفته‌ایم.» امام خمینی(ره) از تحقق دموکراسی حقیقی در اسلام سخن می‌گوید که با دموکراسی معروف غربی متفاوت است. امام بر این باور هستند که دموکراسی اسلامی درعین مشابهت ظاهری با دموکراسی غرب، کامل‌تر از آن می‌باشد. ایشان درباره‌ی حقوق اقلیت‌ها می‌فرماید: «دولت اسلامی، یک دولت دموکراتیک به معنای واقعی است و برای همه‌ی اقلیت‌های مذهبی، آزادی به طور کامل هست و هرکسی می‌تواند اظهار عقیده‌ی خودش را بکند.» آیت‌الله خامنه‌ای نیز در انتساب مفهوم مردم‌سالاری دینی به حضرت امام (ره) می‌فرمایند: «در مورد مردم، مهم‌ترین مردم‌سالاری را از چیزی که طراحان دموکراسی غربی و عوامل آنها در صحنه‌های عملی می‌خواستند نشان بدهند، به کلی دور کردند. سعی آن‌ها بر این بود که اینطور القا کنند که مردم‌سالاری با دین‌سالاری و دین‌داری سازگار نیست. امام این مفهوم باطل را زایل کرد و مردم‌سالاری دینی - یعنی همان جمهوری اسلامی - را در دنیا مطرح کرد. او به زبان هم اکتفا نکرد؛ صرفاً استدلال فکری هم نکرد؛ عملاً این را نشان داد.» آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۹۷۳۱ برای اولین بار واژه‌ی مردم‌سالاری دینی را مطرح نمود و از آن به بعد این اصطلاح را می‌توان در ادبیات سیاسی



تعلیم می‌دهد؟ دموکراسی حقیقی، مردم‌سالاری برخاسته از دین و ایمان است.»

۴. نظام سیاسی اسلام همچنین با استبداد و دیکتاتوری نیز قابل جمع نبوده و بی‌شک، نظام استبدادی و خودکامه نمی‌تواند مدعی اسلامی بودن باشد. حضرت آقا اشاره دارد: «دین برای حکومت‌ها در مقابل مردم مسئولیت جدی قائل است؛ دین، استبداد و دیکتاتوری را از هیچ حاکمی و تحت هیچ عنوانی نمی‌پذیرد.» همچنین امام خامنه‌ای اشاره دارند: «در نظام اسلامی - یعنی مردم‌سالاری دینی - مردم انتخاب می‌کنند و تصمیم می‌گیرند و سرنوشت اداره‌ی کشور را به وسیله‌ی منتخبان خود در اختیار دارند. اما این خواست و انتخاب و اراده در سایه‌ی هدایت الهی، هرگز به بیرون جاده‌ی صلاح و فلاح راه نمی‌برد و از صراط مستقیم خارج نمی‌شود. نکته‌ی اصلی در مردم‌سالاری دینی این است.»

یکی از پایه‌های اصلی مردم‌سالاری دینی الهی بودن خاستگاه آن است. همانطور که حضرت آقا فرموده‌اند: «مبنای مردم‌سالاری دینی با مبنای دموکراسی غربی متفاوت است. مردم‌سالاری دینی، صرفاً یک قرارداد نیست. همه‌ی انسان‌ها حق انتخاب و تعیین سرنوشت دارند. این است که انتخابات را در کشور و نظام جمهوری اسلامی معنا می‌کند. این، بسیار پیشرفته‌تر و معنادارتر و ریشه‌دارتر از چیزی است که امروز در لیبرال دموکراسی غربی وجود دارد. در جایی دیگر بر این نکته تأکید داشته و می‌فرماید: «مردم‌سالاری در نظام اسلامی، مردم‌سالاری دینی است؛ یعنی به نظر اسلام متکی است، فقط یک قرارداد عرفی نیست. تعهد اسلامی به وجود می‌آورد. مثل کشورهای غربی نیست که قرارداد عرفی باشد و راحت آن را نقض کنند. در نظام جمهوری اسلامی، مردم‌سالاری یک وظیفه‌ی دینی است. مسئولان برای حفظ این خصوصیت، تعهد دینی دارند و پیش خدا باید جواب بدهند؛ این یک اصل بزرگ از اصول امام

بزرگوار ماست...» حضرت امام خامنه‌ای در عباراتی در تبیین معنای مردمی بودن حکومت چنین می‌فرمایند: «مردمی بودن حکومت اسلامی به دو معناست: یکی اینکه مردم در اداره و تشکیل حکومت و تعیین حاکم و شاید در تعیین رژیم حکومتی و سیاسی نقش دارند. دیگر آنکه حکومت اسلامی در خدمت مردم است. آنچه برای حاکم اسلامی مطرح است، منافع عامه‌ی مردم است نه منافع اشخاص یا قشر و طبقه‌ی معین. اسلام به هر دو معنا دارای حکومت مردمی است. مردم‌سالاری دینی دارای دو وجه است که یک وجه آن نقش مردم در تشکیل حکومت و انتخاب مسئولان و وجه دیگر آن، رسیدگی به مشکلات مردم است که برهمین اساس مسئولان باید مشکلات مردم را به طور جدی پیگیری و رسیدگی کنند. امام به معنای حقیقی کلمه به اصالت عنصر مردم در نظام اسلامی معتقد بود و مردم را در چند عرصه مورد توجه دقیق و حقیقی خود قرار داد: عرصه‌ی اول: عرصه‌ی تأکید نظام به آرای مردم است. تکیه‌ی نظام به آرای مردم، یکی از میدان‌هایی است که مردم در آن نقش دارند. عرصه‌ی دوم: عرصه‌ی تکلیف مسئولان نظام در قبال مردم است. مسئولان برای مردم‌اند و خدمت‌گزار و مدیون و امانت‌دار آنها هستند. عرصه‌ی سوم: بهره‌برداری از فکر و عمل مردم در راه اعتلای کشور است؛ یعنی استعدادها را شکوفا کردن و معطل نگذاشتن. عرصه‌ی چهارم: لزوم آگاه‌سازی دائمی مردم. خود امام (ره) در سنین بالای عمر از هر فرصتی استفاده کرد تا حقایق را برای مردم بیان کند.»

امام خامنه‌ای تأکید دارند: «حقیقت مردم‌سالاری دینی این است که یک نظام باید با هدایت الهی و اراده‌ی مردمی اداره شود و پیش برود.» در مردم‌سالاری دینی این اسلام است که موازین و چارچوب‌ها را مشخص می‌کند. حضرت آقا در این باره چنین توضیح می‌دهد: «در دنیای جدید، دموکراسی، یعنی خواست و قبول اکثریت مردم، ملاک و منشأ حکومت

شمرده می‌شود؛ اما کیست که نداند که ده‌ها وسیله‌ی غیرشرافتمندانه به کار گرفته می‌شود تا خواست مردم به سویی که زمامداران و قدرت‌طلبان می‌خواهند، هدایت شود.» همچنین فرموده‌اند که در همه جای دنیا، دموکراسی‌ها در یک چارچوب قرار دارند. ما این چارچوب را اسلام قرار دادیم؛ چون ملت ایران، ملت مسلمان هستند؛ چون ملت ایران مؤمن هستند. این شد که مردم‌سالاری دینی، مردم‌سالاری اسلامی است. یکی از تعبیر مشابه مردم‌سالاری، مردم‌داری است. در آموزه‌های دینی نیز توجه به مردم مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. مردم‌داری، یکی از ویژگی‌های نظام مردم‌سالاری دینی است ولیکن همه‌ی مؤلفه‌های نظام مردم‌سالاری دینی را درون خود ندارد. خلط دیگر، یکسان‌انگاری مردم‌سالاری دینی و توده‌گرایی یا پوپولیسم است. پوپولیسم یعنی بزرگداشت مفهوم مردم یا توده‌ها و تکرار شعارگونه‌ی خواست مردم. در طول تاریخ، بسیاری به نام خلق و توده، ظلم‌ها کرده‌اند. زمامداران فراوانی مدعی شده‌اند که مصلحت مردم را بهتر از خودشان تأمین می‌کنند، اما مردم را قابل ندانسته‌اند تا از آنها بپرسند مصلحت شما چیست؟ حزب معروف توده که ادعای تعلق داشتن به مردم و توده را در نام خویش نیز متجلی کرده بود، نمونه‌ای از این ادعاهای دروغین است. حکومتی مردم‌سالار است که منافع مردم را در نظر گرفته و مبتنی بر منافع اکثریت تصمیم‌گیری کند نه اقلیت. در پایان این فصل، از آیت‌الله خامنه‌ای نقل شده است که: «جمهوری اسلامی، یعنی یک نظام حکومتی نوین‌یاد و نوآورده شده که با هیچ یک از نظام‌های متعارف دنیایی شباهت نداشت؛ اما همه‌ی خصوصیات مثبتی را که می‌شود در یک نظام پیش‌بینی کرد، در جمهوری اسلامی هست: اسلام هست، آرای مردم هست، ایمان مردم هست، احساس عزت هست، تعبد هست، احکام و مقررات اسلامی که احیاکننده‌ی زندگی انسان است، هست.»

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: هدیه گیاه‌تازه

سردبیر: رقیه خادم‌نیا

هیئت تحریریه: فاطمه خلیل‌یگانه، هدیه گیاه‌تازه، رقیه خادم‌نیا، بهار سعیدی، فاطمه پیروزی، نداشت بزرگی

صفحه آرا: زهرا جعفری

شماره تماس: ۰۶۸۴۷۰۰۹۳۹۱ / ۰۲۶۰۴۸۰۲۶ / ۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶



@anjoman_eslami_alzahra

@anjomanalzahra